

Elaborating Gender Justice Standrds in the International Law of Social Security (Type of Paper: Research Article)

Mohammadmehdi Hossienmardi^{1*}, Hassan khosravi²,
Reza Mousazadeh³, Mojtaba Babai⁴

Abstract

To elaborate the relationship between international standards of welfare and genderism, this essay examines the share of women and girls entitled to social security benefits based on value-based, and need-based cores, considering that its fair expansion protects the poor and fulfills their legitimate demands without discrimination. The present contribution will try to explain the process of transformation in the 21st century social security law, along with the generational transition, the demographic revolution, and the growth of harms that affect vulnerable people. Gender justice, despite different cultural understandings of this concept, is a basis under which the domestic policy-making process allows everyone to have equal access to opportunities in both employment-based and protection-based social security. The findings of this study indicate that the main drawback of using gender justice in social security systems is that it eliminates the difference between the disadvantaged and the lacks fair and up-to-date welfare standards.

Keywords

Empowerment ,Social Security Law, Gender Justice, Value-Based Core, Need-Based Core.

-
1. Ph.D. in International Law, Departmenet of law, University of Payme noor, Tehran, Iran (Corresponding Autho). Email: phd_mardi@pnu.ac.ir
 2. Associate Prof, Departmenetof law, Payam Noor University (PNU), Tehran, Iran. Email: hkh.be82@yahoo.com
 3. Associate Prof,. Departmenetof Law, School of International Relations, Iranian Ministry of Foreign Affairs. Tehran, Iran. Email: rmousazadeh8@gmail.com
 4. Assistant Prof., Depatmentof Law, Payam Noor University (PNU). Tehran, Iran. Email: mojtaba.babae@gmail.com

Received: September 27, 2020 - Accepted: March 1, 2021



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تبیین موازین عدالت جنسیتی در حوزه حقوق بین الملل تأمین اجتماعی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محمد مهدی حسینمردی^{۱*}، حسن خسروی^۲، رضا موسی زاده^۳، مجتبی بابایی^۴

چکیده

این مقاله با هدف بررسی ارتباط میان موازین بین المللی رفاه و جنسیت گرو، سهم زنان و دوشیزگان مستحق از مزایای تأمین اجتماعی را حول دو هسته ارزش محور و نیاز محور مورد توجه قرار داده است، با این نگاه که توسعه عادلانه آن راهگشای حمایت از زندگی شریف تهیدستان و برآوردن خواسته های مشروع آنها بدون تبعیض است. نوشتار حاضر با تکیه بر اسناد جهانی و رویه حقوق عمومی دولت ها، سعی داشته فرایند تحول در حقوق تأمین اجتماعی سده بیست و یکم را همراه با جریان گذار نسلی، انقلاب جمعیتی و رشد تصاعدی آسیب ها از عاملیت ها و پویای اثر پذیر بر سرنوشت قشر آسیب پذیر نشان دهد. عدالت جنسیتی، با وجود اختلاف نظر در فاهمه های فرهنگی جهان نسبت به آن، پشتوانه ای است برای اینکه در سیر سیاست گذاری های داخلی کشورها همگان بتوانند به ظرفیت ها و فرصت های دو قلمرو اشتغال محور و حمایت محور تأمین اجتماعی دسترسی داشته باشند. نتیجه پژوهش، کاستی اساسی به کارگیری عدالت جنسیتی را در تفاوت زدایی از مستمندان، عدم ارائه شاخص های رفاهی منصفانه و به روز، در نظام های اجتماعی ذکر کرده است.

کلیدواژگان

توانمندسازی، حقوق تأمین اجتماعی، عدالت جنسیتی، هسته ارزش محور، هسته نیاز محور.

۱. دانش آموخته دکترای حقوق بین الملل، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: phd_mardi@pnu.ac.ir

Email: hkh.be82@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: rmousazadeh8@gmail.com

۳. دانشیار، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

Email: mojtaba.babaei@gmail.com

۴. استادیار، گروه حقوق دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

مقدمه

حق بر تأمین اجتماعی، به مناسبت‌های مختلف در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و قوانین اساسی کشورها مورد تصریح واقع شده است، با این رویکرد که فقر جنسیتی، می‌تواند به تشدید بسیاری از آسیب‌های اجتماعی منجر شود. افزایش جمعیت زنان مستمند، طی دهه‌های اخیر، امنیت عمومی را با معضلاتی جدی مواجه ساخته است تا آنجا که نمی‌توان پیامدهای جبران‌ناپذیر آن را نادیده گرفت. مجمع عمومی ملل متحد، پدیده فقر و نداری در میان زنان را، ناقض حقوق بنیادین، اصول و استانداردهای معیشتی اعلام کرده که در راستای تحقق آرمان‌های ملل متحد و اجرای طرح‌های سه‌گانه توسعه هزاره یعنی توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و فرصت‌سازی، لازم است تا زنان در مقام شهروند جامعه جهانی بتوانند از آثار حق بر تأمین اجتماعی و دیگر حق‌های حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی برخوردار شوند (General assembly United nations, 2016: 1-10).

نوشتار حاضر، در تکاپویی پژوهشی با استعانت از روش تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، محور بررسی‌ها را، ارائه الگویی طبق موازین عادلانه متمرکز کرده است. الگویی کارآمد و عادلانه بر مبنای اصول هنجاری برابری و انصاف که از ضرورت‌های انجام این پژوهش است. این مقاله با روشی تحلیلی از منابع حقوق بشر به‌ویژه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بر تأمین اجتماعی را در افزایش احترام به کرامت، شأن‌الای انسانی برای ایجاد زندگی شرافتمندانه و برآوردن انتظارات معیشتی همگان، مهم می‌داند. ارتقای توانمندی زنان در چارچوب برقراری عدالت جنسیت در فرضیه بحث، مدنظر بوده که ناشی از جایگاه آنها در نظم کنونی حقوق بین‌الملل است. هدف‌گذاری که در این پژوهش صورت گرفته، بررسی استانداردهای حداقلی معیشتی به‌عنوان حقی همگانی مقتضی اعمال مسئولیت حمایت اجتماعی در راستای تکوین حاکمیت مطلوب و امحای نابرابری و مبارزه با فقر و اعمال حقوق مقابله با فساد بوده، تا آنجا که در خدمت خودشکوفایی زنان و باور به استقلال رفاهی و حمایت از آنها در برابر فقر، حاشیه‌نشینی، اعتیاد، آوارگی، بی‌پناهی، بیکاری، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی و بیماری‌های پاندمی (عالم‌گیری) مانند کرونا باشد. محورهای بنیادینی که سازمان بین‌المللی کار در چارچوب مقاله‌نامه شماره ۱۹۰ مصوب ۲۰۱۹ ضمن تلفیق و پیوند میان اصول حقوق بین‌الملل با موازین حق بر رفاه و تأمین اجتماعی بدان تصریح داشته است (I.L.O, CONVENTION, No. 90, 2019: 2-3). این مقاله، رویکرد جدیدی را در بخش نظری موضوع با استفاده از معیارهای عینی، کدهای اخلاقی و هنجاری در حوزه حقوق تأمین اجتماعی مدنظر قرار داده است. نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که

حقوق بین‌الملل رفاهی با چه کنش‌ها و واکنش‌هایی در صیانت از حقوق تأمین اجتماعی بانوان بر مبنای موازین عدالت جنسیتی مواجه است؟ یا اینکه عدالت جنسیتی تا چه حد می‌تواند در ارتقا بخشیدن به نظام‌های رفاهی و برآوردن انتظارات معیشتی افراد مستمند تأثیرگذار باشد؟ قسمت‌های نخستین مقاله در ارائه تعاریف از مفاهیم اساسی بحث یعنی عدالت جنسیتی و تأمین اجتماعی به دو بخش اشتغال محور و حمایت محور اختصاص داده شده است. در ادامه با ارائه سازمان‌بندی موضوعی از نظریات مربوط به تأمین اجتماعی و عدالت جنسیتی، به بررسی نسبت این دو مقوله با یکدیگر و فرایندهای حقوقی و چالش‌های اجرایی آن در قسمت پایانی نوشتار می‌پردازد.

مفاهیم

در این قسمت لازم است تا چشم‌اندازی روشن از مفاهیم اصلی بحث برای آشنایی بیشتر خوانندگان ارائه شود.

۱. عدالت جنسیتی

عدالت دیرآشنا و جهانی است. در اینجا، مفهوم جنسیت به‌عنوان پسوند، بیانگر رویکرد جدی و اولویت‌دار به پدیده فقر و شکاف جنسیتی و بازنمایی از وضع توزیعی موجود است (لطفی، ۱۳۹۷: ۵۵۰). لازمه اعمال منصفانه معیارهای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناخت واقعی از نیازها و مطالبات معیشتی زنان، دختران، بیوه‌زنان، سالمندان و مادران است برای اینکه مطابق با آن دولت‌ها در چارچوبی مطلوب بتوانند به شناسایی نیازها و آسیب‌های آنها در شرایطی مانند بدسرپرستی، بی‌سرپرستی، مراقبت از کودکان، اشتغال، خانه‌داری و بیماری مبادرت کرده و به آنها خدمت‌رسانی کنند (پیترز، ۱۳۸۸: ۲۵۷). تشتت آرا در مورد عدالت جنسیتی سبب شده تا نسبت به آن در جامعه جهانی پراکندگی و تنوع تفسیری به‌وجود بیاید. کمیسیون حقوق‌دانان دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، موضوع عدم تفسیر واحد را در این خصوص طبق گزارش ۲۰۱۴ این‌گونه تحلیل کرده است: تبیین عدالت جنسیتی و اجرای آن در نظام‌های رفاهی توسط دولت‌ها با تزلزل و ابهام همراه بوده، چراکه نتوانسته‌اند تغییرات در حوزه جمعیتی را با اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌هایی در سیاست‌های اجتماعی و حوزه حقوق تأمین اجتماعی انطباق دهند، از این‌رو نظام‌های تأمین اجتماعی کشورها در التزام به پایبندی به موازین عادلانه با کاستی‌هایی روبه‌رو هستند. به‌طور مثال در حوزه بیمه‌های اجتماعی، مزایای رفاهی بیمه‌گذاران اعم از زنان و مردان مبتنی بر رفع نیازهای فردی و توانمند ساختن آنها بر

مبنای اصل دسترسی منصفانه به تسهیلات عمومی نیست. عدم قابلیت نظام‌های تأمین اجتماعی در توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر بر فرایند اعمال حق تعیین سرنوشت آنها تأثیرگذار است تا آنجا که نتوانسته از پدیده مطروذیت اجتماعی پیشگیری کند. (I.C.J. Briefing paper, 2014: 7-8). عدالت جنسیتی اولین بار توسط عده‌ای از دولت‌های مسلمان در مجمع جهانی زنان در پکن سال ۱۹۹۵ مطرح شد و در سال ۲۰۱۷ نیز ان ماری گوتز^۱ گزارشگر کمیسیون اقتصادی، اجتماعی منطقه غرب آسیا زیر نظر برنامه توسعه ملل متحد، عدالت جنسیتی را ابداع راهکاری خلاقانه برای پایان‌بخشی به وضعیت نابرابری زنان و مردان اعلام کرد تا در چارچوب هسته نیازمحور، تضمینی برای جبران خسارت‌های ناشی از نابرابری‌های موجود و گذار از تبعیض‌های ناقص حقوق انسانی زنان باشد و در نهایت تحقق اهداف هفده‌گانه منشور توسعه پایدار را دنبال کند (United Nations development programme, 2018:7).

عدالت بر مبنای سیاق گزارش مذکور دستیابی عادلانه به امکانات رفاهی و قضایی است. در اینجا لازم است تا به رویکردهای نظری آن نیز اشاره شود.

۲. رویکرد به آزادی و توسعه

لیبرال‌ها از زاویه ساختار و شخصیت حقوقی بازار آزاد، دخالت‌های حاکمیتی را برای استقرار عدالت در قالب یک نیاز، لازم نمی‌دانند. برعکس، نزد مکتب لیبرالیسم اجتماعی سده بیستم، به ویژه در سنت فکری جان راولز^۲ بازار و نظام سرمایه‌داری، از قابلیت برقراری توازن اجتماعی برخوردار نیستند و در عوض دکترین عدالت به‌مثابه انصاف را مطرح کرد. ال‌تی هابهاوس^۳ بین آزادی اجتماعی و آزادی‌های غیراجتماعی تفاوت قائل است؛ مورد دوم را نیازمند توزیع آزادی‌های اجتماعی و ایجاد محدودیت‌ها برای پیشگیری از آسیب‌ها می‌داند. نقش‌آفرینی دولت در اینجا تضمین‌کننده منافع شهروندان است. راولز در همین خصوص معتقد است که همه شهروندان یک جامعه دموکراتیک باید در مورد آزادی از حقوقی برابر و شاخص‌هایی معین برخوردار باشند (تیلور، ۱۳۹۲: ۲۹). آمارتیا سن^۴ با تأکید و توجه خاصی که بر عامل انسانی و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دارد، تفسیر ویژه‌ای از توسعه عادلانه ارائه می‌کند (سن، ۱۳۷۹: ۴۵). از این رو عملکرد محوری را شاخص مطلوبیت قرار می‌دهد و به امکان‌سنجی از چنین فرایندی اعتقاد دارد.

1. Anne Marie Goetz
2. John Rawls
3. Hobhouse
4. Amartya sen

۳. رویکرد به اجتماع و رفاه

عدالت در اینجا با ادبیات سوسیالیستی و نظام اجتماعی برابرگرا در آمیخته است. برخلاف مارکسیست‌ها، دموکراسی اجتماعی معطوف به دیدگاهی تقنینی در حوزه عدالت است. آنها به این هدف در قواعد حقوقی اعتقاد دارند که برای تأمین سعادت جامعه و ایجاد نظمی مشترک‌اند و آن را محصول زندگی اجتماعی فرد و توزیع عادلانه منابع عمومی می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۶۶). سوسیالیست‌ها اصول متفاوتی را برای توزیع درآمد پیشنهاد می‌کردند تا آن را به نفع برابری استدلال کنند، مانند بلامی و جرج برنادر شو. این در حالی است که جدیدترین نظریات سوسیالیستی بر محور گسترش خدمات آزاد و فراهم آوردن گونه‌ای از حداقل‌های استاندارد پایه‌ای زندگی متمرکز شده‌اند (سیبلی، ۱۳۹۴: ۹۱۰).

۴. رویکرد به برابری خواهی

فمینیست‌ها با ابتدای بر تبیین دو هسته ارزش‌محور و نیازمحور حق بر تأمین اجتماعی بر برابری تمام‌عیار اصرار ورزیده و معتقدند تمامی هنجارها و فرایندهای رشته حقوق انعکاسی از چیرگی تفکرات مردسالاری حکایت دارد. موقعیت ایده‌آل آنها، وضعیت مردمسالاری، احترام به حقوق زنان و مشارکت بدون تبعیض است. از این‌رو مفهوم عدالت جنسیتی، نزد آنها با فرایند جهانی شدن حقوق اقتصادی و اجتماعی، دستیابی آسان زنان به فرصت‌های شغلی و امکانات مراقبتی ارتباط مستقیمی پیدا می‌کند (Stewart, 2011:75). کارول پیتمن^۱ با تحلیل نظرهای فمینیستی استدلال می‌کند حتی در نظام‌های دموکراتیک زنان از جایگاهی برابر با مردان برخوردار نیستند، چراکه در این مدل از نظام‌های رفاهی، چالش پدرسالاری، مانع برقراری عدالت واقعی است (سولیوان، ۱۳۸۶: ۲۹۶). نرینه‌محوری، موضوعی است که از نظر او بر مزایای تأمین اجتماعی و حقوق رفاهی زنان حاکم است و به میزان وابستگی آنها می‌افزاید و مانع شکل‌گیری استقلال معیشتی و مشارکت برابر آنها در عرصه جامعه مدنی می‌شود. حضور حداقلی زنان چه در قاعده‌گذاری‌های مربوط به سیاست‌های ملی تأمین اجتماعی و چه در بخش حقوق بین‌الملل سبب شده تا تفکرات مردسالاری حاکم شود. از این‌رو زنان نمی‌توانند مانند مردان فرصت دستیابی برابر به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند (Ehrenreich Brooks, 2002: 345).

1. Carole paemant

۵. رویکرد فرهنگی و توازنی

ادبیات چنین گفتمانی برآمده از نواندیشی در آموزه‌ها و سنن دینی است و رویکرد تقابلی با برابری جنسیتی دارد. عثمان ابوبکر، نویسنده عرب تبار براساس نگرش فرهنگ اسلامی می نویسد اعمال عادلانه بر مبنای سنت فکری اسلام به کنشی گفته می‌شود که هر کس را در هر مرتبه‌ای که شایستگی دارد، حفظ و در مقابل آسیب‌های ناشی از بی‌عدالتی و تظلم فرد را حمایت کنند (Usman Abubakar, 2018: 3-4). این خوانش از عدالت جنسیتی عدل و قسط را در یک رابطه طولی با هم قرار می‌دهد. مساوات در اینجا توجه به اصل نیازمندی‌های جنسیتی است؛ فرایندی مستند به بند «الف» ماده ۲۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی که عدل و وجدان هر دو نه در وجه متمیمی، بلکه به صورت تکمیلی در کنار هم قرار دارند (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۴۷). کارکرد مورد انتظار از ایجاد چنین عدالتی مواسات میان مردان و زنان و ممانعت از فرومایگی اخلاقی است.

حقوق بین‌الملل تأمین اجتماعی

حقوق بین‌الملل تأمین اجتماعی را از جزء به کل در چهار سطح موضوعی می‌توان واکاوی کرد:

۱. تأمین اجتماعی در مفهوم سیاستگذاری‌های اجتماع

این مفهوم از تأمین اجتماعی نوعی برنامه‌ریزی اجتماعی است که در یک کشور برای حمایت و تأمین معاش افراد در مقابل مخاطرات اجتماعی و برقراری عدالت به صورت پروسه‌ای و با هدف همبستگی اجتماعی و توسعه‌یافتگی انجام می‌گیرد (آزاد، ۱۳۹۸: ۲۵). گزارش توسعه انسانی ملل متحد، تأمین اجتماعی را سازوکاری حمایتی در چارچوب نظام‌های حقوقی دولت‌ها در رفع محرومیت‌های انسانی معرفی کرده است (مدنی، ۱۳۹۶: ۱۹۴). بخش حقوق بین‌الملل رفاهی نیز در چارچوب موازین عادلانه ملل متحد یعنی رهایی از فقر و ترس متناظر با مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ به تعهدات حمایتی و رعایت استانداردهای حوزه‌های حقوق رفاه و تأمین اجتماعی تأکید می‌کند. عمده توجه موضوعی که در دو بخش سازمانی و معاهده‌ای حقوق بین‌الملل رفاه با ایجاد سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ به وجود آمد و با صدور اعلامیه فلادلفیا^۱ در سال ۱۹۴۴ و مقاله‌نامه ۱۰۲ سال ۱۹۵۲ بر محور حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در برابر

1. Philadelphia Declaration

فقر، بیکاری، بیوگی، ازکارافتادگی و دوران کهولت انسانی متمرکز شد (عراقی و رنجبریان، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

۲. تأمین اجتماعی در نظام‌های حقوقی

اصطلاح تأمین اجتماعی به لحاظ سیالیت نظام‌های حقوقی، اقتصادی و اجتماعی با مغلق‌های مفهومی در ارائه تعریف مواجه است، از این رو گاهی مترادف با مفاهیمی چون رفاه اجتماعی، مساعدت اجتماعی خدمات اجتماعی و بالأخره بیمه‌های اجتماعی و حوزه حمایت اجتماعی قرار داده شده است (عصمتی، ۱۳۹۲: ۷-۵). موازین عادلانه ملل متحد یعنی رهایی از فقر و ترس، متناظر با مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ تعهدات حمایتی را با رعایت استانداردهای حداقلی حوزه‌های رفاه و تأمین اجتماعی در پرتو حقوق بین‌الملل قوام بخشید که حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در برابر ناملایماتی مانند فقر، بیکاری، بیوگی، ازکارافتادگی و دوران کهولت انسانی را در اولویت بخش‌های سازمانی و معاهده‌ای با تأسیس سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ و صدور اعلامیه فلادفلیا در سال ۱۹۴۴ قرار داد. در بخش معاهدات تخصصی مقابله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۵۲ «تأمین اجتماعی به‌منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدیدآمده به‌واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد، ناشی از بیماری، بارداری، حوادث و بیماری‌های ناشی از کار، سالمندی، بیکاری، ازکارافتادگی، فوت و همچنین ناشی از افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عایله مندی) به اعضای تحت پوشش خود ارائه می‌دهد (شورای پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش، ۱۳۷۸: ۸). پس از گذشت ۶۸ سال از صدور مقابله‌نامه ۱۰۲ متأخرترین تعریف از تأمین اجتماعی را سال ۲۰۱۶ ایسا (انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی) ارائه داد، یعنی هر طرحی که توسط قانون یا هر برنامه دیگری که از افراد در صورت بروز حوادث شغلی، بیماری‌ها، بیکاری، زایمان، بیماری، معلولیت، پیری، بازنشستگی، بازماندگی یا مرگ محافظت می‌کند. مزایای مراقبت‌های بهداشتی، پیشگیری، توانبخشی و مراقبت‌های طولانی مدت، که می‌تواند شامل مساعدت‌های اجتماعی باشد (International Social Security Association, 2016). تأمین اجتماعی در سده بیست و یکم از سه بخش تخصصی اشتغال محور، حمایت‌محور و امداد تشکیل شده است که از اولویت‌های رفاهی و امکانات تاب‌آورانه ای همچون بیمه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند (عباسی، ۱۳۹۳: ۲۷۳). بنیاد هانس باکلر^۱ و کمیسیون آینده شغلی آلمان سال ۲۰۱۵ تعریفی جدید از نظم جدید تأمین اجتماعی

1. Hans Bockler stiftung

سده بیست و یکم ارائه داده که به عاملیت تکنولوژی در نهادینه ساختن حق بر تأمین اجتماعی و گذار به الگوی دیجیتالی به عنوان یکی از مدل های اعمال حکمرانی مطلوب در حوزه حقوق اقتصاد اجتماعی و کمک به افشار محروم برای در دست گرفتن مقدرات حیات خویش اشاره می کند. سازوکاری مناسب و شفاف با قابلیتی تمرکززا که می تواند پیوند حقوق دموکراتیک را با اقتصاد رفاهی برقرار کند، به جای ایجاد ابرساختار حقوقی غیرمتصلب و خصوصی سازی یکسویه که در دهه ۹۰ بانک جهانی با رویکرد سه لایه آن را پیشنهاد داد تا خدمات رسانی ها بر مبنای قابلیت های دو بخش های دولتی و تعاونی انجام گیرد (Weber, 2019: 8-12).

۳. حقوق بین الملل سنتی

تجربه این حوزه از حقوق بین الملل به لحاظ تاریخی بیانگر آن است که دولت ها هیچ رغبتی برای آنکه در یک همگرایی مسائل مبتلا به اجتماعی مانند فقر، بیماری، بیکاری و استانداردهای حقوق رفاه زنان را به شکلی تعاملی مورد گفت و گو قرار داده یا از تجربیات همدیگر در حوزه نظام های تأمین اجتماعی استفاده کنند نداشتند. از علل مهم آن استقرار منطق آنالوگی^۱ حاکم بر حوزه حقوق بین الملل بود (کدخدایی و مقامی، ۱۳۹۵: ۴۶۰). از این رو حاکمیت ها با اراده محوری چنین اموری را جزو صلاحیت ذاتی خویش در حوزه سیاستگذار ملی خویش می دانستند، به زعم خویش آن را کنشی عادلانه تلقی کرده که طرح آن در حوزه حقوق بین الملل موضوعیتی نداشت (کارو، ۱۳۸۳: ۲۳). زنان در چنین وضعیتی حکم نیروهای کار بی مزد را داشتند که واجد حقوقی مستقل و بنیادینی نبودند. برای نمونه از واکنش های اساسی که بعدها در قبال سند حقوق بشر فرانسه در سده هجدهم و قانون اساسی آمریکا پس از استقلال به وجود آمد، این بود که این اسناد به حقوق زنان حتی در چارچوب نظام خانوادگی نیز نمی پردازند (Louis, 2005: 16).

۴. حقوق بین الملل نوین

فرایند توجه به فقر جنسیتی و حمایت عادلانه از مطالبات رفاهی و معیشتی زنان از دهه ۱۸۶۰ شروع و اولین بار تحت عنوان تعیین استانداردهای بین المللی نقش مادران در نشست کنفرانس لاهه سال ۱۹۰۲ در محور گفت و گوی بین المللی دولت ها مورد توجه قرار گرفت. پس از آن ابعاد اثرگذار دوران تاریخی جنگ های جهانی اول و دوم نیز هر کدام به نوبه خود

1. Analog

از سال ۱۹۱۹ سهم بسزایی در تعمیم و گسترش حقوق تأمین اجتماعی ایفا کردند. مهم‌ترین آنها به ترتیب عبارت‌اند از:

۱.۴. بعد زیستی

بعد زیستی شامل ارزش‌های حیات سلامت زنان و حفاظت از آنها در مقابل مخاطرات، بیماری‌ها و ناتوانی‌های فیزیکی و بهداشت و رفاه ذهنی و روانی آنها در چارچوب ملاحظاتی مانند آمایش انسانی و ترکیب جمعیتی، هرم سنی، امید به زندگی می‌شود. شاخص‌های حمایتی که در نظام حقوق بین‌الملل معاصر به عنوان آرمان‌های ملل متحد و رهایی از ترس و در چارچوب توانمندسازی زنان مورد توجه قرار گرفته‌اند (سام‌آور و ابراهیم نجف‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۰). مستند به ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و تفسیر شماره ۱۹ سال ۲۰۰۷ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه سال ۲۰۱۱ سازمان بین‌المللی کار دولت‌ها در قبال زنان و توانمندسازی ذهنی و روحی آنها در مواقع تشویش‌ها و اضطراب‌ها متعهد به استقرار عدالت اجتماعی و ارائه راهبرد انصاف رفاهی جهت شاخص‌گذاری‌هایی باکفایت و کارآمدند (International Labour Conference, 2011: 20).

۲.۴. پیوند اقتصاد رفاهی و حقوق اجتماعی

رویکرد رهایی از نداری، در چارچوب ایده همکاری میان بخش‌های حقوقی، اقتصادی و سیاسی نظام‌های ملی تجلی پیدا کرد. بازخورد منطقی چنین مناسباتی، به ظهور دولت رفاه، سیاست‌گذاری‌های اجتماعی فراگیر و فرایند گسترش و تعمیم نظام‌های تأمین اجتماعی منجر شد، به طوری که نظام مشارکت‌گرا بیمه‌های اجتماعی طبق برنامه‌های بیسمارک در آلمان و مدل غیرمشارکتی آن برحسب گزارش بوریچ در انگلستان و نظام عائله‌مندی برای اولین بار در فرانسه اجرایی شدند. اما نتوئل ژوانت^۱ نظریه پرداز فرانسوی رشته حقوق بین‌الملل رفاه، این رویه‌ها در نظام‌های داخلی را به قطعات پازلی تشبیه کرده که از نظر او، به تکمیل‌تر شدن منظومه حقوق بین‌الملل رفاه و تأمین اجتماعی کمک کرد. نمونه عینی آن در سیاق عبارت ماده ۹ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ آمده که به صورت تمثیلی راهبرد بیمه‌های اجتماعی را برای همگان حتی زنان نیز به رسمیت می‌شناسد (Jouanne, 2007: 837). برای نمونه وزارت رفاه ژاپن با تجلیل از فداکاری زنان پس از جنگ جهانی دوم به دلیل کناره‌گیری آنها از فرصت‌های شغلی به نفع مردان مزایایی را برای آنها در چارچوب مشاغل خانه‌داری و

1. Emmanuelle Jouanne

۲. ماده ۹: «کشورهای طرف میثاق حق هر شخص را به تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌های اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.»

تربیت کودکان و همسرمداری و فرصت‌های شغلی از دست‌رفته به پاس این بزرگواری و هموعدوستی به آنها اختصاص داد (مانو، ۱۳۹۳: ۳۱).

نسبت میان تأمین اجتماعی با حقوق بین‌الملل و عدالت جنسیتی

حق بر تأمین اجتماعی از رهیافت‌های حمایتی و ضروری دوره اقتصاد مدرن و نظام صنعتی به شمار می‌رود. این حق پس از دو جنگ جهانی در کنار اعتبار اخلاقی و رسالت جهانی مبارزه با فقر و نداری به جایگاه منبعی در منظومه حقوق بشر دست پیدا کرد (زمانی و آزاد، ۱۳۹۶: ۱۴)، حقی است که به‌واسطه حمایت از نیازمندان و ارزیابی روند پیشرفت عادلانه آن در نظام حقوق بین‌الملل، می‌توان بر مبنای محورهای ذیل، بررسی کرد:

۱. انجام اقدامات جدی در برقراری مناسباتی نزدیک‌تر میان حقوق و سیاست‌های

اجتماعی

۲. فرایند حقوقی شدن بجای تأکید بر مقررات و قواعد حقوقی

۳. ارزیابی و بازنمایی از کارکردهای اولیه حقوق تأمین اجتماعی

مناسبات میان حقوق و سیاست و سنخیت میان این دو، سوژه‌های متنوع و متکثری را با رویکرد به تعیین ملاک‌های حمایت از جمعیت آسیب‌پذیر در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی شکل داده است (قوام و محسنی، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۲). تأمین اجتماعی اساساً رویکردی به احتیاجات جنسی زنانه دارد، چراکه آنها به‌واسطه داشتن ویژگی‌های بیولوژیکی، زیستی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت از مردان نیازمند مراقبت‌های عمومی بیشتری هستند (3-7 : 2011, *Rea Abada et al.*). فرایند شکل‌گیری الگویی و رویکردهای مرتبط با آن این امکان را فراهم ساخت تا موضوع نیازهای حیاتی انسان به عنوان محوری اساسی و سوژه‌ای اثرگذار مطرح شود (فراستل و شنین، ۱۳۹۱: ۳۲۴-۳۲۱). نشست‌های بین‌المللی که در آستانه ورود به قرن بیست‌ویکم برگزار و موجب تدوین اسنادی مانند اعلامیه زنان پکن و سند هزاره شد، هریک تحولی را در حوزه ادبیات موضوعی حقوق زنان و سوژه جنسیت‌پردازی در مناسبات جوامع انسانی به‌وجود آوردند. یکی از آنها کنفرانس جهانی زنان شهر پکن سال ۱۹۹۵ بود که در آنجا ایده عدالت جنسیتی با نگرش فرهنگی توسط کشورهای اسلامی مطرح شد. هیأت ایرانی در این نشست برای اولین بار اعلام کرد که مفهوم عدالت را به‌جای برابری به‌کار خواهند گرفت. هدف اعلامی آنها از کاربرد این مفهوم آن بود که عدالت جنسیتی در راستای رفع تبعیض‌ها و امدمدار اندیشه و تفکر اسلامی است که تساوی حقوق زن و مرد را پذیرا اما تشابه آن را مردود می‌داند (دفتر مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۷: ۳).

مواضع مذکور مستند به اعلامیه حقوق بشر اسلامی در بندهای «الف» و «ب» ماده ۶ این‌گونه قابل تشریح است: الف) از لحاظ حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، مرد هم از حقوقی برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسبت خویش است؛ ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن، از وظایف مرد است (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۵-۱).

فرایند شکل‌گیری نسل‌های حقوق تأمین اجتماعی بانوان

فرایند تکامل حق بر تأمین اجتماعی زنان را در نظام حقوق بین‌الملل، بدین شکل می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. نسل نخستین از معیارهای حقوق تأمین اجتماعی زنان

اولین بار، بند «الف» از اصل ۱۳ میثاق جامعه ملل، فتح بابی برای حقانی شدن الگوی تأمین اجتماعی در جهان بود، چراکه به اعضا توصیه می‌کرد تا رویه‌ای عادلانه نسبت به موازین حقوق کار و رفاه کودکان، زنان و مردان با تعیین شاخص‌های منصفانه داشته باشند.^۱ چنین فرایندی بازتابی از حقوق مدنی و سیاسی بود که از دهه ۱۸۶۰ شروع شد و در پرتو توزین کنوانسیون‌هایی با هدف تعیین استانداردهای بین‌المللی جایگاه مادران در نشست لاهه سال ۱۹۰۲ توسط دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفت (Mulder, 2018: 40).

نخستین رویکرد استانداردهای بین‌المللی رفاه و کار به موضوع زنان، در یک چارچوب تبعی از حقوق تحت تکفل مردان نان‌آور خانوار و قواعد نظام‌های اشتغال محور تأمین اجتماعی و بیمه‌های شغلی، به آن می‌پرداخت. شاخص‌های انصاف رفاهی مانند کمک‌هزینه عائله‌مندی، ازدواج و دوران بازماندگی نمونه‌های مثالی آن هستند. مقاله‌نامه ۱۰۲ و مادتين ۹ و ۱۰ این دوره از بخش اشتغال محور تأمین اجتماعی، در مورد زنان، بر پیشگیری از آسیب‌های شغلی تأکید داشت (سپهری، ۱۳۹۲: ۱۱، ۸، ۶۰).

۲. نسل دوم حقوق تأمین اجتماعی زنان

مرحله دوم از فرایند حقوقی شدن تأمین اجتماعی، اقتضای مفارقت از تبعیض‌های جنسیتی و توجه به نیازهای مشروع را داشت. سهم زنان از عدالت توزیعی بین‌المللی در

۱. بند «الف» ماده ۱۳ میثاق جامعه ملل: برای کار مردان و زنان و کودکان در قلمرو خویش وضعی عادلانه و مطابق با شئون انسانی پدید آورند.

پرتو نظام عادلانه رفاه و تأمین اجتماعی با تأنی بر کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ نیاز به تغییرات بنیادین را ایجاد می‌کرد، با اعتقاد به اینکه توسعه کامل یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم بیشترین حد نقش‌آفرینی زنان در تمامی عرصه‌ها در شرایط مساوی با مردان است (طجرلو، ۱۳۹۳: ۱۹۴). الگوی سنتی یا سلسله‌مراتبی برای زنان هیچ نقشی قائل نبود، یعنی الگوی مردان‌ان‌آور خانوار، که بانوان تحت تکفل آنها قرار داشتند. کنوانسیون حمایت از بارداری سال ۱۹۵۲، مقاله‌نامه شماره ۱۱۷ سال ۱۹۶۲ با موضوع تنظیم سیاست‌های اجتماعی و مقاله‌نامه شماره ۱۱۸ سال ۱۹۶۲ در خصوص برابری در تأمین اجتماعی و درمان مؤید چنین ادعایی بوده و لذا اعلامیه کنفرانس مکزیکوسیتی ۱۹۷۵ تمامی ملل متحد را به در پیش گرفتن رویه‌ای مؤثر و کارآمد و اجرای اصول منع تبعیض نسبت به حق بر تأمین اجتماعی فراخواند (the world conference of the international women year, 1975: 27).

۳. نسل سوم: فرایند توسعه عدالت‌محور تأمین اجتماعی

همزمان با فرایند جهانی شدن حقوق اقتصادی و اجتماعی، بروز آثار سوء سیاست‌های نئولیبرالی به تشدید بحران فروکاستگی اقتصاد رفاهی، تعدیل ساختاری در نظام‌های بازنشستگی و کمبود منابع اعتباری دولت‌ها افزود. چنین روندی در دهه دوم سده بیست‌ویکم فقر گسترده زنان و عدم دستیابی آسان آنها به فرصت‌های شغلی و امکانات معیشتی و درآمدی، پیامدهای فرهنگی و اخلاقی قابل تأملی را به‌وجود آورد تا جایی که ضرورت توجه به استانداردهای حقوق بین‌الملل تأمین اجتماعی و بازنگری در رویه‌های سابق را دوچندان ساخت.

سازمان بین‌المللی کار، طی نشست سال ۲۰۰۸ و گزارش سال ۲۰۱۱ اعلام داشت فرایند عدالت‌گستری محدود به بخش خاصی از حقوق تأمین اجتماعی نیست، بلکه حوزه‌های مشارکتی و همگانی آن را نیز شامل می‌شود (International Labour Conference, 2011: 24). با آنکه، این مقطع تاریخی از حق رفاه با عصر انقلاب چهارم صنعتی و تحول در حوزه فناوری‌های اطلاعات همراه بوده، آسیب‌های نوظهوری را نیز در پی داشته است.

شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد (اکوسوک) در گزارش ۲۰۱۸ آورده است: با وجود نقش مثبت و کلیدی علم، فناوری و نوآوری اما در دستیابی به اهداف توسعه پایدار نمی‌توان ملاحظات مربوط به چالش‌ها و مخاطرات نوظهور ناشی از تقسیم‌بندی‌های فنی دیجیتال در میان مردان و زنان را نادیده گرفت، از این‌رو لازم است دولت‌ها از تشدید نابرابری‌ها و نقض موازین عادلانه پیشگیری کنند (the economic and social council, 2018: 53).

این سیر از فرایند استانداردسازی حقوق تأمین اجتماعی زنان، ابتدا توسط سازمان

بین‌المللی کار با تصویب مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ حقوق تأمین اجتماعی سال ۱۹۵۲ شروع شد و در سده بیست و یکم با توجه به پیامدهای بحران‌های اقتصاد بین‌الملل و نیازهای نوظهور بانوان با تصویب توصیه‌نامه‌های شماره ۲۰۲ با عنوان کف حمایت اجتماعی سال ۲۰۱۲ و در سال ۲۰۱۴ با توصیه‌نامه شماره ۲۰۴ و استفساریه از مقاله‌نامه ۱۰۲ و طرح گذار به سوی مسئولیت حمایت اجتماعی با محوریت عدالت در قبال اقشار آسیب‌پذیر مجدداً به آن سمت‌وسوی جدیدی بخشید (آزاد دوین، ۱۳۹۸: ۱۱۹).

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در ژوئن ۲۰۱۹ با صدور مقاله‌نامه شماره ۱۹۰، تحت عنوان ریشه‌کنی خشونت و آسیب، از مشاغل یادآور شد: نقض این موازین، نه تنها محرومیت از دستیابی به فرصت‌های برابر شغلی، فقر اقتصادی و مطروذیت اجتماعی را به وجود می‌آورد، بلکه بی‌عدالتی‌های را نیز در پی خواهد داشت (ILO, CONVENTION, No. 190, 2019 : 1).

الزامات کاربردی عدالت جنسیتی در قلمرو حقوق تأمین اجتماعی

الزامات در این خصوص را می‌توان طی دو بخش صیانت و حمایت از حقوق تأمین اجتماعی بررسی کرد:

۱. الزامات صیانتی

الزامات صیانتی یعنی حفظ هسته ارزش محور حقوق تأمین اجتماعی از سوی دستگاه‌های سیاست‌گذاری داخلی دولت‌ها برای آنکه فرایند توانمندسازی زنان را در نظام‌های اجتماعی مورد توجه قرار دهند. نایلا کابیر^۱ معتقد است در هزاره سوم، چنین الزاماتی در حوزه اشتغال محور تأمین اجتماعی برای بانوان شامل امنیت شغلی، آرامش روانی و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. ماده ۶ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به این موضوع در چارچوب حق برابری کار، مشارکت بیشتر و برخورداری از مزایای رفاهی مکفی اشاره می‌کند^۲ (Kabeer, 2008: 32). یکی از اهداف اصلی این بخش، به‌ویژه برای بانوان، توسعه جنسیتی در چارچوب حق بر تأمین اجتماعی است. قوه قضاییه کانادا، گزارش تحلیلی را ارائه داده که در این خصوص این‌گونه استنباط کرده که تفسیری معقول و غایی، از حقوق اساسی این امکان را فراهم می‌آورد تا از نقض امنیت معاش زنان به‌وسیله سازوکارهای تأمین اجتماعی ممانعت به‌عمل آید و به حقوق اجتماعی آنها احترام گذاشته شود (Ahmad & Bulmer, 2017: 29).

1. Naila kabeer

۲. ماده ۶: کشورهای طرف میثاق حق کار کردن را شامل هر کس که می‌شود برای آنکه فرصتی باشد تا وسیله به‌دست آوردن معاش خویش را انتخاب کند، به رسمیت می‌شناسد.

از این رو نظام‌های قضایی مترقی، بر مبنای گزارش مذکور، لازم است تا تمهیدات قانونی مؤثری را در نظر بگیرند.

۲. الزامات حمایتی

الزامات حمایتی، بیانگر مسئولیت‌پذیری نظام‌های رفاهی نسبت به توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر است تا از یاریگری عمومی کافی برخوردار شوند. رویکرد نوین حوزه اقتصاد جهانی و نظم کنونی حقوق بین‌الملل رفاه اقتضا دارد تا با چابک‌سازی و پویایی در خدمات و مزایای تأمین اجتماعی تسهیلات عمومی مطلوب و مکفی را در اختیار زنان، مطابق با توصیه‌نامه شماره ۲۰۲ مصوب ۲۰۱۲ سازمان بین‌المللی کار، قرار دهند (International labour conference, 2012:6).

کمیت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به تجربه بحران اقتصاد بین‌الملل در سال ۲۰۱۲ به دولت‌ها توصیه کرده تا دولت‌ها نسبت به روند سیاست‌گذاری‌های اجتماعی براساس ملاحظات ذیل، توجه کنند؛ اولاً: ابعاد سیاست‌های جدید به‌گونه‌ای نباشد که به رفاه عمومی و درآمد افراد لطمه وارد کند؛ ثانیاً: این سیاست‌ها به تشدید نابرابری و تبعیض منجر نشوند و به گروه‌های حاشیه‌نشین و مستمند جامعه بیفزایند؛ ثالثاً: آثار چنین سیاست‌ها و مقرراتی با چالش‌های موجود در جامعه، همپوشانی نداشته باشند؛ رابعاً: سیاست‌های موردنظر، بر مبنای اعمال حق تأمین اجتماعی و اجرای سازوکار کف حمایت اجتماعی، زمینه گسترش آرمان‌های سازمان بین‌المللی کار را فراهم آورند (TCWarwick, 2015: 18). یکی از روش‌های پیشنهادشده توانمندسازی جنسیتی در قالب تعمیم استانداردهای بین‌المللی تأمین اجتماعی، توأم با سازوکارهای اجرایی و اعتباری است برای اینکه بتوانند نظام‌های رفاهی به شکلی پویا، مستمر و قابل توسعه با رویکردی منعطف به نیازهای جنسیتی براساس معیارهای سازمان بین‌المللی کار اهتمام ورزند. در گزارش ILO، با عنوان دگرگونی الگویی در سال ۲۰۰۶ آمده است: سیستم‌های تأمین اجتماعی در راستای نوعی عدم توازن در ارائه مزایا و خدمات رفاهی، سلامت و بیمه‌های اجتماعی و فرصت‌های شغلی هستند تا جایی که مطالعات شش سال اخیر گویای اثبات چنین ادعایی بوده است (Cichon, 2006: 6). از منطوق آن این‌گونه استنباط می‌شود با افزایش میزان آسیب‌های جنسیتی و ضرورت برقراری عدالت، می‌توان در دو مدل تقابلی و تبدیلی به عملیاتی شدن تعهدات حمایتی اهتمام داشت. مدل اول در مبارزه با فقر و نداری و تبعیض و مدل آخر برای ایجاد عدالت و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و توانمندسازی آنها قابلیت اجرایی پیدا می‌کند.

مطابق با گزارش بانک توسعه آسیایی سال ۲۰۰۹ تفاوت عمده بین دو این مدل در نوع حمایت است که به درجه‌بندی و میزان برخورداری آنها از انواع مزایای اجتماعی بستگی دارد.

براساس کیفیت‌سنجی صورت‌گرفته زنان در شرق آسیا با کمترین نابرابری جنسیتی، از بالاترین میزان حمایت اجتماعی نسبت به هم‌نوعان خود در جنوب آسیا برخوردارند (بانک آسیایی، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

پتانسیل‌های عدالت جنسیتی در قلمرو حقوق بین‌الملل تأمین اجتماعی

قابلیت‌های عدالت جنسیتی را می‌توان با توجه به شرایط قرن حاضر در حوزه‌های تخصصی اشتغال محور و حمایت محور تأمین اجتماعی بررسی کرد.

۱. حوزه اشتغال محور

این بخش در چارچوب نظام‌های بیمه اجباری مشاغل، اولین بار در سده نوزدهم توسط بیسمارک^۱ صدر اعظم آلمان، با مدل مشارکت مالی سه‌جانبه کارگران، کارفرمایان و دولت در بخش‌های خدمات درمانی و سلامت اجرا شد. از این رو یکی از رسالت‌های این بخش طبق مدلول اساسنامه سازمان بین‌المللی کار مصوب ۱۹۴۴ تقویت و تحکیم نهادهای تأمین اجتماعی و ارتقای خدمات عمومی برای اعضای جامعه به دور از تمایزات جنسیتی، نژادی و زبانی معرفی شده است (حسینی، ۱۳۹۴: ۹۰). کار شایسته از سال ۱۹۹۹ در اولویت اقدامات سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان یک الگوی تبادلی مورد توجه قرار گرفت، رویکرد عادلانه به ملاحظات جنسیت‌گرو و الگوی گفت‌وگوی اجتماعی از طریق کنش‌های سندیکایی که وجه عینی به حق تعیین سرنوشت اقتصادی زنان و مردان شاغل می‌دهد. طراحی تالارهای گفت‌وگوی شغلی با هدف تقویت سه‌جانبه‌گرایی براساس استانداردهای حقوق کار در حالی از آن سخن به میان می‌آید که با روند تحولات شتابان فناوری و دگرگونی و پیچیدگی در مشاغل جدید، راهکارهای حقوقی شناخته‌شده با نابرابری، تبعیض و ورشکستگی مشاغل در بازار کار مواجه است (نصرتی، ۱۳۸۷: ۱۷۰). لزوم آموزش شغلی، مهارت‌آموزی و ایجاد فرصت‌های برابر شغلی از یک سو و رویکرد نوین اقتصاد و صنایع دیجیتالی و ترویج مدل‌های نوپدید کار و افزایش مشاغل غیررسمی و زیرزمینی و پاره‌وقت و افزایش آسیب‌دیدگی از محیط‌های شغلی و شیوع بیماری‌های پاندمی^۲ مانند ابولا و کرونا در سال‌های اخیر مشارکت معیشتی زنان را بیش از پیش با مخاطرات جدی و چالش‌آوری مانند بیکاری، افزایش زنان بی‌سرپرست و از دست دادن درآمدهای شغلی مواجه ساخته است. مستند به بیانیه سازمان بین‌المللی کار با موضوعیت

1. Bismark
2. Pandemi

کووید^۱ (کرونا) که در مارس ۲۰۲۰ صادر شد، به بازتعریف گروه‌های آسیب‌پذیر پرداخته زنان شاغل را جزو آسیب‌دیدگان ناشی بحران کرونا در جهان معرفی می‌کند که از زمان شروع آن در مقایسه با مردان تنها ۴۶ درصد از سازوکارهای حمایت اجتماعی در اختیار آنها بوده است (International Labour Organization, 2020: 6).

انجمن خوداشتغالی زنان آفریقای جنوبی^۲ با معرفی الگوی امنیت شغلی زنان، اولویت‌هایی را مطرح کرده است: «زنان شاغل حتی در مشاغل غیررسمی نیز مستحق دریافت هرگونه مزایای شغلی و مراقبتی، بیمه‌ای، دستمزد، مرخصی زایمان و امکانات بهداشتی و درمانی بر مبنای موازین حقوق بین‌الملل کار و مزایای مندرج در^۳ مقاوله‌نامه^۴ ۱۰۲ هستند. حال آنکه کنوانسیون شماره^۵ ۱۸۳ مصوب ۲۰۰۰ با موضوع حمایت از بارداری^۶ و بیانیه^۷ سال ۲۰۱۰ سازمان بین‌المللی کار، تحت عنوان اصول بنیادین و حقوق در کار^۸ تأکید داشته‌اند نظام‌های سیاستگذاری اجتماعی از اتخاذ روال‌های اجرایی تک‌بعدی بپرهیزند، چون توانمندسازی و برابری هر دو بال‌هایی برای ارتقای حقوق زنان در جامعه امروزند (International conference Lusaka, 2012: 23).

۲. حوزه حمایت محور

حوزه حمایت محور تأمین اجتماعی اولین بار در آمریکا و با طرح قانون نیو‌دیل^۹ در سال ۱۹۳۵ مطرح شد و هفت سال بعد در انگلستان با ارائه گزارش بوریج^۷ این فرایند حقوقی توانست نقطه عطفی در شکل‌دهی به نظام غیرمشارکتی تأمین اجتماعی براساس منابع عمومی در سده بیستم باشد (عبادی بشیر و مجتهدی، ۱۳۹۹: ۸۹۱). فرایند نوین آن با تصویب توصیه‌نامه شماره ۲۰۲ سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۲ با موضوعیت کف حمایت اجتماعی^۸ مسیر جدیدی را براساس تحولات جهانی و سطح نیازهای نیازمندان در پیش گرفته که این خود از برجستگی‌های حقوق بین‌الملل در نیمه اول سده بیست و یکم در قلمرو حقوق رفاهی زنان به‌شمار می‌رود (Thouvenin et Tre bilcock, 2013: 1459). گزارش سال ۲۰۰۸ کمیساریای عالی حقوق بشر در واکنش به پدیده فقر طاقت‌فرسا^۹ اقداماتی را در راستای گسترش پشتیبانی دولت‌ها از طرح ایده کف حمایت اجتماعی

1. Covid-19

2. South African Self-Employed Women's Association (SASEWA)

۳. درمان، بیماری، بیکاری، پیری، حوادث شغلی، عائله‌مندی، بارداری، ناتوانی، فوت سرپرست.

4. Maternity Protection Convention, 2000(No,183)

5. The ILO Declaration on Fundamental Principles and Rights at Work, 2010

6. New Deal

7. Beveridge Report

8. Social Protection Floors

9. Extreme Poverty

غیرمشارکتی در سال ۲۰۰۹ مطرح ساخته که از ۹ ابتکار عمل مدنظر سازمان بین‌المللی کار یک مورد آن موسوم به حداقل اجتماعی است (سپالودا و نایست، ۱۳۹۸: ۴۸) طرحی که می‌تواند با ارائه برنامه‌های رفاهی در راستای استقرار عدالت و رویکرد حقوق بشری به آن مسیر گذار زنان از فقر و نداری را هموار سازد.

چالش‌های بین‌المللی عدالت جنسیتی در حوزه تأمین اجتماعی

تحولات پانزده سال گذشته در فرایند بین‌المللی شدن حقوق رفاه و تأمین اجتماعی و بحران‌های فراگیر مالی مانند رکود اقتصاد بین‌الملل و شیوع بیماری‌هایی همچون کرونا نشان داد با وجود اجرای سیاست‌های کلان رفاهی، افراد در معرض آسیب هنوز نیازمند حمایت اجتماعی با معیارهای عدالت جنسیتی‌اند. گزارش توسعه انسانی ملل متحد طی سال‌های متمادی حاکی از آن بوده که فقر جنسیتی در سه سطح آموزش، بهداشت و درآمد اقتصادی مکفی روند افزایشی داشته است. مطابق گزارش مؤسسه مطالعات حقوق تأمین اجتماعی در سال ۲۰۱۵ برای هر سه نفر از ده زن با میانگین سن ۶۵ سال، تنها امکان دستیابی به ۳۰ درصد از خدمات و مزایای رفاهی وجود دارد (Entmacher and Gallagher Robbins, 2015: 11). مستند به گزارش مورد اشاره موازین عدالت جنسیتی، طی سده بیست‌ویکم از سوی نظام‌های تأمین اجتماعی کشورها کمتر مورد توجه قرار گرفته و مزایای رفاهی کنونی با نیازهای واقعی زنان و مردان مستمند، منطبق نیست. دولت جمهوری اسلامی ایران در اجلاس هیئت‌های ملل متحد، سپتامبر ۲۰۰۰، به‌منظور مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، نابودی محیط زیست و تبعیض علیه زنان، ایده عدالت جنسیتی را پیشنهاد داد که بعدها مورد توجه قرار گرفت و از اهداف توسعه هزاره شناخته شد (نلسون و پریسکات، ۱۳۹۳: ۳۷). با این حال، کشور ما، با وجود تجربه اجرای شش دوره سیاست‌های توسعه ملی، هنوز در این حوزه، با کشاکش‌های نظری و کاستی‌هایی روبه‌روست. تنها در ماده ۱۰۱ برنامه ششم، دستگاه‌های اجرایی به‌ویژه ستاد ملی زن و خانواده موظف شده‌اند تا به تعیین شاخص‌های کمی آن اهتمام ورزند. جمهوری اسلامی ایران در این برنامه دستگاه‌های اجرایی را مکلف ساخته پیرو ماده ۸۰ آن سند در چارچوب اصول ۱۰ (حمایت از خانواده)، ۲۰ (برابری مرد و زن در مقابل قانون) و ۲۱ قانون اساسی (تضمین حقوق زنان) و اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله نسبت به شناسایی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بانوان اقدام و طبق مواد ۷۷، ۷۸ و ۱۰۱ برای رفع نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان و مادران بر مبنای الگوی عدالت جنسیتی با رویکرد توازن اسلامی از توانایی‌ها و ظرفیت‌های بیمه‌ای، امدادی و حمایتی استفاده شود (روزنامه رسمی

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶: ۲۹-۲۳). هدف کلی این بخش از قانون در مورد تأمین اجتماعی رویکرد مداخله‌گرایی دولت و حمایت از آسیب‌پذیران اجتماعی است. قانون اساسی ایران در بند «و» اصل ۳، دولت را موظف به رفع تمامی تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها کرده است، همچنین اصل ۲۱ قانون اساسی متضمن ضرورت برقراری برخی تبعیض‌های مثبت در حوزه تأمین اجتماعی در چارچوب انصاف رفاهی است (باستانی و خسروی دهقی، ۱۳۹۸: ۳۰).

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد هر سال ۱۸/۹ درصد از بودجه عمومی دولت، به بخش رفاه و تأمین اجتماعی اختصاص داده می‌شود، در ضمن براساس آمار رسمی حدود ۲ درصد از جمعیت شاغل کشور هم در صندوق بیمه‌های اجتماعی عضو هستند. اما به دلیل عدم مدیریت متمرکز، بحران کارامدی، عدم شفافیت در عملکرد و کسری فزاینده منابع اعتباری نتوانسته‌اند، به صورت مناسبی انتظارات مستمری‌بگیران را به‌ویژه در بخش صندوق‌های بازنشستگی براساس الگویی معتبر و مطمئن برآورده سازند و از این طریق به برقراری عدالت اجتماعی کمک کنند (معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی، ۱۳۹۹: ۲۴). گذشته از این در جامعه جهانی دولت‌های طرفدار برابری جنسیتی طی دو دهه گذشته نیز بی‌چالش نبوده‌اند. از انتقادهایی که متوجه سیاست‌های اقتصادی دولت بریتانیا در سال ۲۰۱۳ و موضوع برگزیت^۱ شد این بود: با توجه به فرایند پیشرفت‌های گذشته اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی دولت در رابطه با زنان عملاً به جایگاه کارگران زن خدشه وارد کرده است تا جایی که با وجود کاهش هزینه‌های رفاهی به‌جای افزایش درآمد، موجبات نقض فاحش حق بر تأمین اجتماعی زنان را فراهم آورده و شرایط را به‌سوی ایدئولوژی وابستگی درآمدی و سبک معیشت سنتی یعنی مردسالاری برده است (1: annesley, 2014). گفت‌وگوهای اجتماعی بسان یکی از سازوکارهای مردم‌سالاری بوده که در این سیاست‌ها، بدان توجه کافی نشده است، حال آنکه می‌تواند انعکاس‌دهنده واقعی مطالبات و خواسته‌های شغلی مشارکت‌کنندگان در چارچوب آزادی‌ها و فعالیت‌های سندیکایی با رویکرد عادلانه باشد (ایشیکاوا و کوریلا، ۱۳۹۰: ۲۱۸-۲۰۹).

مطابق گزارش‌های ذیل:

۱. کمیته منع تبعیض علیه زنان در سال ۲۰۱۵ با عنوان دستیابی زنان به عدالت^۲ (CEDAW/C/GC/33, 2015:11)
۲. مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی ملل متحد در سال ۲۰۱۲ تحت عنوان توسعه

1. Brexit

2. Committee on the Elimination of Discrimination against Women

جهانی: انصاف جنسیتی و توسعه، فرصتی خوشایند و ازدست‌رفته^۱ (United Nations Research Institute for Social Development, 2012: 2-3)

۳. رهنمودنامهٔ موسوم به تغییر جهان مدل ملل متحد، توسط کمیسیون مقام زن در سال ۲۰۱۹ (۱-۵) (commission on the status of women, 2019: 1-5) و بالأخره گزارش سال ۲۰۱۸ سازمان بین‌المللی کار، به اتفاق تأکید داشته‌اند: توزیع مطلوب و عادلانهٔ امکانات آسایش‌آور، در بین زنان (شاغلان شهری، روستایی، خانه‌دار، مادران، دوشیزگان، بی‌سرپرستان و بدسرپرستان) و مردان نه تنها موجب تضمین رفاه روانی و مادی آنها می‌شود، بلکه زمینهٔ رفع تبعیض را نیز فراهم می‌کند. هستهٔ ارزشی آن عبارت است از دسترسی عادلانهٔ زنان به امکانات رفاهی تا بتوانند از شرایط تشکیل زندگی آبرومندانانه برخوردار شوند. پدیدهٔ شکاف جنسیتی، بیانگر یکی از بزرگ‌ترین بی‌عدالتی‌های جهان امروز و از جمله عوامل نقض حقوق انسانی زنان و تعرض بر حق تعیین سرنوشت آنهاست. چنین شکافی از دیدگاه سازمان بین‌المللی کار در کشورهای مختلف با کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی زیادی همراه بوده تا آنجا که به دلیل ضعف نظام‌های رفاهی کشورهای صنعتی و دارای گرایش به برابری جنسیتی مانند آمریکا، فرانسه و انگلیس با نافرمانی‌های مدنی و اعتراضات خیابانی خود را نشان داد و با رویکردی متفاوت، به دیگر حوزه‌های جغرافیایی جهان مانند کشورهای در حال توسعه نیز سرایت کرده است (ILO, Globalwage, report, 2018 : /19:5). اصول راهنمای مونترال^۳، یادآور شده فقر، تبعیض، ناداری، منازعات مسلحانه و تحریم‌های بین‌المللی از جمله آسیب‌هایی هستند که مانع دستیابی بانوان به حق‌های انسانی شده و عدم تحقق فرایند توانمندسازی آنها را در پی خواهند داشت (Montreal principles on women, 2002: 7-10)

ارتقای نظام‌های تأمین اجتماعی، در سدهٔ بیست‌ویکم و ایجاد سازوکارهای کارآمد حمایتی، و امدادی در کنار بیمه‌های اجتماعی متناسب با آسیب‌ها به یک نیاز اساسی مبدل شده است برای آنکه بتوانند به نحو مطلوبی، در برآوردن انتظارات رفاهی اقشار آسیب‌پذیر جامعه، بر مبنای عدالت و اصل عدم تبعیض جنسیتی اهتمام ورزند و از قابلیت‌های تکنولوژی جدید در راستای گسترش خدمات عمومی استفاده کنند (Weber, 2019: 25).

کمیتهٔ منع تبعیض علیه زنان^۴ در سال ۲۰۰۴ با تأکید بر تقویت حقوق اجتماعی و حق

1. UNITED NATIONS RESEARCH INSTITUTE FOR SOCIAL DEVELOPMENT

2. commission on the status of women

3. Montréal Principles on Women's Economic, Social and Cultural Rights

4. Committee on the Elimination of Discrimination against Women

رفاه همگانی و بررسی آثار آن در زندگی زنان طبق تفسیری که از ماده ۵ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان ارائه داد اعلام کرد: زنان و دختران به‌عنوان عضو جامعه بشری مستحق دستیابی به خدمات عمومی و مزایای حقوق اجتماعی‌اند تا براساس عدالت‌محوری، از توانمندی‌های مالی بدون تبعیض برخوردار شوند (International Women's Rights Action Watch, 2004: 20). بدین‌سان خلأ عدالت جنسیتی، در فرایند سیاستگذاری‌های توسعه ملی کشورها، سبب شده تا دولت‌ها نتوانند از زنان به‌صورت مؤثری بر مبنای حقوق بنیادین در مقابل انواع تبعیض‌های بالقوه و آسیب‌های اجتماعی حمایت همه‌جانبه‌ای به عمل آورند.

نتیجه‌گیری

رویکرد نظام‌های تأمین اجتماعی به الگوی عدالت جنسیتی در هزاره جدید، با وجود فاهمه‌های فرهنگی متفاوت نسبت به آن، امری ضروری است. پدیده فقر، فزاینده‌گی تنگناها و آسیب‌های اجتماعی و آثار اجرای سیاست‌های اقتصاد ریاضتی دولت‌ها بر افزایش آمار مستمندان جهان طی دو دهه اخیر، ضرورت توسعه عادلانه رژیم‌های رفاهی را در چارچوب نظام حقوق اساسی توجیه می‌کند. بانوان جهان در این میان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیری به‌شمار می‌روند که طی دو دهه اخیر، همسو با مردان، متحمل رنج‌ها و محرومیت‌های طاقت‌فرسای زیادی در چرخه دشوار زندگی اجتماعی شده‌اند. رویه‌های موجود در حوزه رفاه بیانگر آن است که مزایای تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده برای زنان با شرایط مالی و نیازهای غیرمادی آنها منطبق نیست. از این‌رو تمهیدات حمایتی موجود قابلیت بازدارندگی از آسیب‌هایی همچون شکاف جنسیتی را ندارند. مطابق با موازین عدالت جنسیتی این معضل فقط به زنان محدود نمی‌شود، بلکه مردان نیز با آن مواجه‌اند.

تأمین اجتماعی بنا به تصریح اسناد بالادستی حقوق بین‌الملل بشر حق همه اعضای جامعه است. فرایند بازآرایی در نظام‌های تأمین اجتماعی، مسئله‌ای است که با توجه به آثار انقلاب چهارم صنعتی و بحران ناکارآمدی سیستم‌های رفاهی دولت‌ها، مطابق با موازین عادلانه جنسیتی و تأکید سازمان بین‌المللی کار، نیازمند توسعه عادلانه آن در راهبردهای بیمه‌ای، امدادی و حمایتی است. بنابراین دولت‌ها بر مبنای چنین فرایندی در چارچوب هسته ارزش‌محور حقوق، متعهد به صیانت و حمایت از حق بر تأمین اجتماعی هستند و نمی‌توانند با اجرای سیاست‌های اجتماعی، روند تضعیف یا شکاف جنسیتی را در دو حوزه اشتغال‌محور و حمایت‌محور تأمین اجتماعی به‌وجود آورند تا

آنجا که با اثرگذاری بر حق‌های بنیادین آنها، از جمله حق تعیین سرنوشت به ایجاد تبعیض‌های دیگری منجر شوند.

توسعه عدالت‌محور از آن حیث مورد تأکید بخش سازمانی حقوق بین‌الملل رفاه، طی دهه‌های اخیر بوده که دولت‌ها چه طرفداران برابری حقوقی یا حامیان عدالت جنسیتی، کمتر پویا و کنش مؤثری از خود در هدفمندسازی سیاست‌های اجتماعی برای رفع شکاف جنسیتی براساس قابلیت‌های تقنینی، اجرایی و دادرسی نشان داده‌اند. تحول‌آفرینی در ارتقای خدمات رفاهی به حاشیه‌نشینان اجتماعی بدون حمایت عادلانه و به دور از شکاف جنسیتی، شدنی نیست، از این رو سیاست‌های جدید الزامات حمایتی را مدنظر قرار نداده و در مواردی شکاف جنسیتی را تشدید کرده‌اند.

صیانت و حمایت از موازین عدالت جنسیتی، اقتضا داشته تا با توجه به تنوع و سیالیت در نظام‌های تأمین اجتماعی کشورها، از قابلیت‌های آن، در پاسخگویی به انتظارات مشروع و کاهندگی آسیب‌ها استفاده کنند. در این میان سهم بزرگ بانوان در تحقق تعالی و توسعه پایدار جامعه، مادر بودن و تربیت کودکان اجتناب‌ناپذیر بوده، از این رو لازمه بالندگی در ایفای چنین نقش سترگی، تقسیم درست و عادلانه امکانات رفاهی بین زنان، مردان و کل جامعه به‌عنوان شهروندانی سالم و برخوردار از حقوق بنیادین است.

فرایند انطباق عادلانه موازین بین‌المللی رفاه و تأمین اجتماعی با سیاستگذاری‌های داخلی دولت‌ها ایجاب می‌کند تا از قابلیت‌های عدالت جنسیتی در راستای فقرزدایی از زنان، اجرای اصول حقوقی و هنجاری استفاده کرده و از آلوده شدن آنها به انواع فسادهای اجتماعی پیشگیری کنند تا با آسودگی خاطر و جسمی سالم بتوانند با آگاهی از نیازهای مشروع خویش، مقدرات روشنی را برای بالندگی انسانی خود رقم بزنند. ایفای مسئولیت دولت‌ها در قلمرو حق بر تأمین اجتماعی تا آنجاست که آثار مستقیم و غیرمستقیم آسیب‌های ناشی از عدم اجرای کامل موازین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سیاستگذاری‌های داخلی و قربانیان پدیده‌هایی مانند فقر، فحشا، فساد و نداری، در درجه اول زنان و دیگر افراد آسیب‌پذیر جامعه هستند تا آنجا که موارد نقض‌های احتمالی آن از سوی حاکمیت‌ها تهدیدی بالقوه در عرصه داخلی و بین‌المللی به‌شمار می‌رود و یکی از راهکارهای پیشگیرانه آن، به‌کارگیری موازین عدالت در راستای تقویت رفاه و توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر از طریق توسعه جنسیتی است.

رویکرد نوین حقوق بین‌الملل، فرصت مغتنمی است تا از پتانسیل‌های عدالت جنسیتی همسو با آرمان‌های ملل متحد در پیکار با فقر و نداری استفاده شود. الگوی عدالت جنسیتی، به‌عنوان دکترین حقوقی مطرح از سوی دولت‌های مسلمان در جامعه بین‌المللی

می تواند در ترویج و به کارگیری نسل جدید تأمین اجتماعی، بر مبنای رفع نیاز و نه ایجاد شکاف جنسیتی نظام مند در میان مردان و زنان، کارایی مطلوبی از خود، نشان دهد. از این رو نوآوری و استفاده از بستر تکنولوژی نوین نه به عنوان ابزاری برای ایجاد شکاف بوده، بلکه در ارتقای تأمین اجتماعی منصفانه و رفع نیازهای واقعی افراد آسیب پذیر می توان با استفاده از دو مدل تقابل با تبعیض و نداری و تعامل در برقراری عدالت به وسیله کف حمایت اجتماعی از آن استفاده کرد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتابها

۱. ایشیکاوا، جانکو؛ کورویلا، ساروش (۱۳۹۰)، *گفت و گوی اجتماعی در حقوق کار*، مترجم: رحمانی، علی، تهران: مجد.
۲. آزاد دوین، علی (۱۳۹۸)، *تضمین حق تأمین اجتماعی در نظام حقوق بین الملل*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۳. بانک آسیایی (۱۳۹۳)، *شاخص حمایت اجتماعی*، مترجمین: نیکوپوردیلمی، نگین، وحیده، تهران: شلاک.
۴. پیترز، دنی (۱۳۸۸)، *تأمین اجتماعی مقدمه ای بر اصول اساسی*، مترجمین: فیروزمندی، فراز و احمدی، سمیره، تهران: شهر دانش.
۵. تیلور، گری (۱۳۹۲)، *ایدئولوژی و رفاه*، مترجم محقق کمال، حسین، نصرت آبادی، مهدی، تهران: جامعه شناسان.
۶. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰)، *حقوق جهانی بشر، چ پنجم*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۷. حسینی، سید محمدرضا (۱۳۹۴)، *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. دفتر مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۷)، *عدالت جنسیتی و توسعه پایدار*، تهران: انتشارات مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.
۹. سام آور، عزت اله؛ ابراهیم نجف آبادی، اعظم (۱۳۹۳)، *جمعیت و رفاه اجتماعی*، تهران: نشر علم.
۱۰. سپالودا کارمونا، مگدالنا، نایست، کارلی (۱۳۹۸) *رویکرد حقوق بشری به حمایت اجتماعی*، مترجمان: آرامش پور، محسن، ابراهیمی، مریم، تهران، مؤسسه راهبردی

- بازنشستگی صبا.
۱۱. سپهری، محمدرضا (۱۳۹۳)، *مقاله نامه‌های بین‌المللی کار*، تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی.
۱۲. سن. آمارتیا (۱۳۷۹) *آزادی و برابری*، ترجمه فشارکی، حسن، تهران: شیرازه.
۱۳. سولیوان، باربارا (۱۳۸۶)، کارول پیتمن: *دموکراسی مشارکتی و فمینیسم*. در کتاب: *دموکراسی لیبرال و منتقدان آن*، ویراستاران: کارتر، اپریل. واستوکس، جفری، مترجم: رحمانی‌زاده دهکردی، حمیدرضا، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۴. سیبلی، مالگرد (۱۳۹۴)، *ایده‌ها و ایدئولوژی سیاسی*، ترجمه عالم، عبدالرحمن، تهران: نشر نی.
۱۵. طجرلو، رضا (۱۳۹۳)، *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تجزیه و تحلیل اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای*، تهران: دادگستر.
۱۶. عباسی، بیژن (۱۳۹۳) *مبانی حقوق عمومی*، تهران: انتشارات دادگستر.
۱۷. عراقی، سید عزت اله و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۱)، *تحول حقوق بین‌المللی کار*، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۱۸. عصمتی، زینب (۱۳۹۲) *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم تأمین اجتماعی*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۹. فراستل، کارتارنیا؛ شنین، مارتین (۱۳۹۱)، *زنان*، مترجم: غدیری، ماهرو از کتاب (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) نوشته: آسیورن، ایده و همکاران، تهران: مجد.
۲۰. قوام، عبدالعلی؛ محسنی، سمیرا (۱۳۹۷)، *دیالوگ میان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل* در آغاز هزاره سوم، تهران: مخاطب.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، *فلسفه حقوق*، چ هفتم، ج ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۲. کارو، دومینیک (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل*، مترجم: تقی‌زاده انصاری، مصطفی، تهران: دادگر.
۲۳. مانو، فیلیپ (۱۳۹۳)، *شکل‌گیری دولت رفاه و سرمایه‌داری هماهنگ در ژاپن و آلمان*، مترجم: فرهادی پور، محمدرضا، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۲۴. مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۶)، *وضعیت توسعه انسانی در ایران*، تهران: پارسه.
۲۵. نصرتی، سید حسین (۱۳۸۷)، *گفت‌وگوی اجتماعی*، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

ب) مقالات

۲۶. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸)، «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۲ ش ۴۶، ص ۲۰-۱.
۲۷. باستانی، سوسن؛ خسروی دهقی (۱۳۹۸)، «موانع و چالش‌های سیاستگذاری بر مبنای عدالت جنسیتی»، *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، سال دهم، ش ۲، ص ۲۹-۵۷.
۲۸. تلنسون، جین؛ پریسکات، دیوید (۱۳۹۳)، «آرمان‌های توسعه هزاره»، *ماهنامه کار و جامعه*، ش ۱۷۷، ص ۳۷-۳۵.
۲۹. زمانی، سید قاسم؛ آزاددوین، علی (۱۳۹۶)، «مفهوم و جایگاه حقوق تأمین اجتماعی در اسناد بین‌المللی»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال یازدهم، ش ۴۲، ص ۳۷-۹.
۳۰. عبادی بشیر، مقصود؛ مجتهدی، محمدرضا (۱۳۹۹)، «ماهیت حقوقی سنوات کار در روابط کار»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۰، ش ۳، صص ۸۸۱-۸۹۸.
۳۱. کدخدایی، عباسعلی؛ مقامی، امیر (۱۳۹۵)، «ساختار آنالوگ حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۶، ش ۳، صص ۴۶۵-۴۸۹.
۳۲. لطفی، حسن (۱۳۹۷)، «مبنای دخالت دولت در قراردادهای عدالت تصحیحی یا توزیعی؟»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۸، ش ۳، صص ۵۴۷-۵۶۷.

ج) اسناد

۳۳. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، شماره ۲۰۹۹۵، WWW.RRK.IR. ۲۱/۱/۱۳۹۶
۳۴. شورای پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش (۱۳۸۷)، *نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی خلاصه گزارش*، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۳۵. معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی (۱۳۹۹)، *بررسی وضعیت موجود صندوق‌های بیمه اجتماعی کوچک و ارائه الگو برای ساماندهی آنها*، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1549748>

۲. انگلیسی

A) Books

3. Ahmed, Dawood & Buler, Elliot (2017), *Social and economic rights ,internation IDEA Constitution-Building primer, second published , Stockholm.*

4. Annesley, Clair (2014), *UK Austerity Policy afeminist Perspective*, Friedrich ebert stiftung, www.library.fes.de/pdf-files/id/10526.pdf.
9. Cichon, Michael; Hagemeyer, Krzysztof; Woodall, John (2006), *Changing the paradigm in social security: From fiscal burden to investing in people*, Social Security Department International Labour Office. Geneva.
10. Ehrenreich, Brooks, Rosa (2002), *Feminism and International Law: An Opportunity for Transformation*, Georgetown Law Faculty Publications and Other Works. <https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/113>
11. Entmacher, Joan & Gallagher, Robbins, Katherine (2015), *Women and social Security*, Fact sheet, National womens law Centre, Washington, www.nwlc.org.
17. Kabeer, Naila (2008), *Mainstreaming gender in social protection for the informal economy*, common wealth secretariat, London.
19. Louis, anja (2005), *Women and the law*, published by tamesis, Wood bridge. website: www.boydellandbrewer.com.
30. STEWART ,Anna (2011), *Gender, Law and Justice in a Global Market*, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York.
34. UsmanAbubakar, Musa (2018), *Gender justice in Islamic law*, Hart publishing, Oxford.
35. Weber, Enzi (2019), *Digital social security outline of a concept for the 21st century*, Hans-Bockler-stiftung, Berlin.

B) Articles

39. Jouannet, Emmanuelle (2007), "What is the Use of International Law? International Law as a 21st Century Guardian of Welfare", *Michigan Journal of International Law*, Vol. 28, Issue 4. <http://repository.law.umich.edu/mjil/vol28/iss4/3>, PP:817-857, pp. 817-857.
42. Mulder, Jule (2018), "promoting substantive gender equality through the law on pregnancy discrimination, maternity and parental leave", *European equality law review*, Issue1, www.equalitylaw.eu/publications/order. Pp. 39-49.
43. Rea, Abada; Chiongson, Desai; Deval, Marchiori; Teresa; Woolcock, Michael (2012), "Role of law and justice in achieving gender equality ", *Journal Third World Quarterly*, Vol.36, Issue 2, pp. 3-28.
44. TC War wick, Ben (2015), "Socio-economic rights during economic crises: Changed approach to non-retrogression", *international and comparative law quarterly*, 65(01). 28October, <http://dx.doi.org/10.1017/s00250589315000494>, pp. 249-265.

C) Documents

47. Commission on the status of women, change the world ,*model united Nations*, 2019/01/csw, www.CWMUN.ORG/WP-

- content/uploads/2019/01/csw-2019.pdf.
48. Committee on the Elimination of Discrimination against Women, *General recommendation on women's access to justice*, CEDAW/C/GC/33, 23 July 2015.
 49. Conference summary report .international conference, engendering social protection ,October 2012,Lusaka.
 51. General assembly United nations Women in development, Resloution adoptedon 22DECEMBER, A/RES/70/219,15Th February2016.
 52. ICJ Briefing paper, *International Human Rights Law and Gender Equality and Non-Discrimination Legislation*, International Commission of Jurists, Geneva, April 2014.
 53. ILO, *Global Wage ,Report 2018/19*, INTERNATIONAL LABOUR OFFICE, 2018, GENEVA.
 54. ILO.RECOMMENDATION,NO: 202, *Social Protection Floors Recommendation* ,INTERNATIONAL LABOUR OFFICE, 2012, GENEVA.
 55. Inter national labour conference , CONVENTION no 190, CONCERNING THE ELIMINATION OF VIOLENCE AND HARASSMENT IN THE WORLD OF WORK ADOPTED BY THE CONFERENCE AT ITS ONE HUNDRED AND EIGHTH SESSION, GENEVA, 21 JUNE 2019.
 56. International Labour Conference(2011) Report *VI Social security for social justice and a fair globalization*, 100th Session International Labour Office , ILC.100,Geneva.
 57. International Social Security Association(2016) *Constitution*,published by International Social Security Association,Geneva,www.issa.int.
 58. InternationalInternational Labour Organization, *COVID-19 and theworld of work: Impactand policy Responses*,March2020,Geneva, ilo.org/global/topics/coronavirus.
 59. MONTRÉAL PRINCIPLES ON WOMEN'S ECONOMIC, SOCIAL AND CULTURAL RIGHTS, December 7 – 10, 2002, <https://www.refworld.org/docid/46f1462e0.html>.
 60. Report of the world conference of the international womens year,E/CONF.66/34.1975.
 63. United Nations Development Programme(2018)This “Gender Justice & The Law” publication , Assessment of laws affecting gender equality in the Arab States region,publication of United Nations Development Programme, UNDP,New York.
 64. UNITED NATIONS RESEARCH INSTITUTE FOR SOCIAL DEVELOPMENT, World Development Report 2012: Gender Equality and Development An Opportunity Both Welcome and Missed Shahrá Razavi Research Coordinator,United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD), 2012.
 65. United Nations, Report of the economic and social council on its,2018session,A/73/3. <https://undocs.org/pdf?symbol=en/A/73/3>.

D) Sources françaises

66. Thouvenin , Jean-Marc et Trebilcock, Anne(2013), *Droit international social*, Tome2, Bruylant, Group Larcier s.a., Bruxelles.